

نگاهی نو

تلاشی در جهت معرفی
پیامهای کمتر شنیده شده رهبر انقلاب

پایگاه تخصصی
وینتلاش جریان شناسی

دیدبان

www.Didban.ir

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی
www.Didban.ir



مطالب این بولتن صرفاً جهت اطلاع
رسانی بوده و نقل از آن با ذکر
منبع مجاز می باشد.

الجمهورية
البيروتية



نگاهی نو

تلاشی در جهت معرفی پیامهای کمتر شنیده شده رهبر انقلاب

مقدمه :

بیش از دو دهه از راهبری، آیت الله العظمی سید علی خامنه ای بر جمهوری اسلامی ایران میگذرد؛ بیست و چهار سال با حوادث و شرایط گوناگون. سخنرانی ها و نوشته های فراوانی از رهبر انقلاب در این بیست و چهار سال صادر شده که هر یک برای راهبری جامعه و نظام اسلامی بوده است؛ گاه پیام ها جنبه عمومی داشت و گاه شخصی. ولی به هر حال کمتر پیامی را میتوان یافت که ثمری نداشته باشد؛ تمامشان گره گشا بودند. برخی از پیامها بیشتر به چشم آمدند و برخی کمتر.

در گوشه و کنار مکتوبات - پیامها و نامه های - رهبر انقلاب به مواردی بر میخوریم که به دلایلی کمتر مورد توجه قرار گرفته و مخصوصاً گذشت زمان آن را به بوته فراموشی سپرده است؛ به نظر می رسد بازخوانی مجدد این پیامها و زمینهها و دلایل نگارش این مکتوبات، بهتر می تواند ما را در شناخت سیره و سبک رهبری ولی معظم فقیه، حضرت آیت الله خامنه ای قرار دهد؛ نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد تا به بازخوانی برخی پیامهایی بپردازد که دارای ویژگیهای فوق الذکر هستند.

• تیرماه ۶۸: پایانی بر جنجالهای

بی مورد

بر اساس دستور حضرت امام خمینی، شورای بازنگری قانون اساسی، در اواخر حیات معظم له تشکیل شد تا اصولی از قانون را مورد بازنگری مجدد قرار دهد؛ این شورا در اواسط کار بازنگری بود که امام خمینی دار

فانی وداع گفت؛ این شورا اما کار خود را همچنان ادامه داد؛ در بحث از اختیارات رهبری، یکی از بحثهای صورت گرفته در باره «حق انحلال مجلس برای مقام رهبری» اختصاص یافت.

انجام این بحث در شورای بازنگری، حساسیتهایی را در خارج از شورا برانگیخت؛ برخی از واکنشهای صورت گرفته از مجلس شورای اسلامی به گوش می رسید؛ بالاگرفتن این حساسیتها مخاطره آمیز به نظر می رسید؛ خطر از این رو که ممکن بود در همان نخستین روزهای رحلت جانگداز امام راحل، میان دوستاناران امام خمینی و انقلاب شکاف ایجاد شود؛ شکافی که در آن روزها به هیچ وجه مبارک نبود. در این شرایط حساس بود که حضرت آیت الله خامنه ای با تدبیری هوشمندانه مانع ایجاد اختلاف میان نیروهای انقلاب شدند.

رهبر انقلاب با صدور پیامی خطاب به آیت الله مشکینی، رئیس شورای بازنگری قانون اساسی، از ایشان خواستند که به جهت جلوگیری از اختلاف نظر میان دوستاناران انقلاب، این طرح از دستور کار شورای بازنگری خارج شود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

حضرت آیت الله مشکینی

ریاست محترم شورای بازنگری قانون اساسی

با سلام و تحیت. از آنجا که طرح

چنین موضعی گرفتند.

بازخوانی ابلاغ فرمان برگزاری همه پرسی قانون اساسی به دولت و وزارت کشور که در پاسخ به نامه آیت الله مشکینی صورت گرفت، می تواند حاوی نکات جالبی باشد:

« بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَضْرَت آيْتِ اللهُ آقَاي حَاج مِيرْزَا عَلِي
مَشْكِينِي
رئيس محترم شوراي بازنگري قانون
اساسي

با سلام و تحيت و تشكر از آن جناب
و ساير حضرات آقايمان محترم اعضاي
شوراي بازنگري قانون اساسي.
بدین وسیله مجموعه‌ی مصوبات
شورای مزبور را که محصول تلاش
پیگیر و دلسوزانه و عالمانه‌ی اعضای
محترم آن است، تأیید و امضاء
می‌نمایم.

خدای متعال را شکرگزارم که با همت
آقایان و علی‌رغم وارد آمدن مصیبت
عظمای فقدان رهبر عظیم‌الشان
حضرت امام خمینی (أعلى الله مقامه)،
کار اصلاح و تکمیل قانون اساسی - که
مورد علاقه و اهتمام شدید آن بزرگوار
فقید بود - بی‌وقفه ادامه یافت و به

مسأله‌ی «حق انحلال مجلس برای
مقام رهبری»، از سوی جمع کثیری
از نمایندگان محترم مجلس شورای
اسلامی و غیر آنان مورد حساسیت
و اعتراض قرار گرفته است، شایسته
است که موضوع یادشده از دستور
کار شورای بازنگری حذف شود، تا
موجبی برای اختلاف نظر میان برادران
در این جو صفا و صمیمیت به وجود
نیاید.
و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ و علی جمیع الإخوة و
رحمة الله
سید علی خامنه‌ای
۱۰/۰۴/۱۳۶۸»

• تیرماه ۶۸ : ابلاغ فرمان برگزاری همه‌پرسی اصلاحیه قانون اساسی

رهبر انقلاب پس از اتمام کار شورای بازنگری قانون
اساسی در اصلاح قانون اساسی، در پیامی خطاب به
دولت و وزارت کشور، فرمان برگزاری همه پرسی
اصلاحیه قانون اساسی را ابلاغ کردند. ایشان در ضمن
ابلاغ این دستور، در سخنرانی‌های مختلف عنوان
می کردند که خودشان هم در همه پرسی مزبور شرکت
کرده و به قانون اساسی اصلاح شده، رأی مثبت خواهند
داد. و این حرکت، دقیقاً حرکت در مسیر امام راحل
بود. ایشان نیز در برابر قانون اساسی نخستین کشور،

برای دشمنان بود؛ کسانی که تا چند روز پیش از آن مدام از جنگ قدرت در ایران، مخصوصاً میان این سه نفر، سخن می‌راندند و شایعه می‌پراکنده‌اند.

اما این بار و در این مراسم به طور کامل همه نقشه‌ها نقش بر آب شد؛ حضور سید احمد خمینی در این مراسم، که پیش‌تر هم تأکید کرده بود که راه امام در پیروی از آیت الله خامنه‌ای تحقق می‌یابد، خنثی کننده نقشه‌های بسیاری بود.

رهبر انقلاب نیز با نگارش نامه‌ای خطاب به سید احمد خمینی، از ایشان به خاطر حضور در این مراسم به طور ویژه تشکر کردند:

«باسمه تعالی»

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد خمینی (دامت تأییداته) مراسم تنفیذ ریاست جمهوری امروز در حسینیه‌ی مطهر جماران که از شکوه معنویت و جلوه‌ی صفا و صمیمیتی ویژه برخوردار بود، این جانب را موظف می‌سازد که از جناب عالی به عنوان یادگار یگانه و عزیز امام فقید و یار و یاور صمیمی و همیشگی آن بزرگوار صمیمانه تشکر کنم.

بیت شریف و کریم آن رهبر و پیر مراد ملت ایران، اکنون نیز مانند همیشه مرکز و ملجأ دلها و عشقها و

سرانجام رضایت‌بخش رسید. اکنون به دولت محترم و به‌طور خاص به وزیر محترم کشور (دامت تأییداته) ابلاغ می‌گردد که متن مصوب را برای همه‌پرسی در معرض آرای ملت عزیز ایران قرار دهند.

و السَّلَام عَلَیْکُمْ و علی جمیع عباد الله الصَّالِحِین
سید علی خامنه‌ای
۱۳۶۸/۰۴/۲۸

• مرداد ماه ۶۸: تقدیر از یادگار امام

پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۶۸ و پس از رحلت امام خمینی برگزار شد؛ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توانست رأی اعتماد مردم را کسب و به عنوان چهارمین رئیس جمهور ایران برگزیده شود؛ مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری هاشمی، در مردادماه برگزار شد؛ در این مراسم رهبر انقلاب، رأی ملت را تنفیذ و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را برای مدت چهار سال به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب کردند.

نکته در خور تأمل در این مراسم، حضور فرزند امام راحل، سیداحمد خمینی، و نقش ایشان در مراسم تنفیذ بود؛ سید احمد خمینی کسی بود که متن حکم تنفیذ آیت الله خامنه‌ای برای هاشمی رفسنجانی را قرائت کرد؛ این نمایش اقتداری از جمهوری اسلامی ایران

منسوب امام خمینی برای مدت چهار سال بودند، و این دوره ریاست جمهوری ایشان از ۱۳ شهریور ۱۳۶۴ آغاز شده بود، در نتیجه به صورت شرعی ایشان رئیس جمهور قانونی کشور تا تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۸ بودند؛ اما به خاطر رحلت حضرت امام خمینی، و انتخاب آیت الله خامنه ای - رئیس جمهور وقت - به عنوان رهبر جمهوری اسلامی، ایشان مدتی هم در جایگاه رهبری فعالیت می کردند و هم به صورت قانونی مسئولیت ریاست جمهوری را برعهده داشتند؛ در این شرایط نظام ناگزیر از برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری بود.

با برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری، آیت الله هاشمی به ریاست جمهوری رسید و حکم ایشان را رهبر معظم انقلاب تنفیذ کردند؛ و از آنجا که آیت الله خامنه ای تا تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۸ مسئولیت ریاست جمهوری را به طور شرعی و قانونی برعهده داشتند، ایشان در ۲۵ مرداد ۶۸ از مسئولیت ریاست جمهوری استعفا می دهند تا هاشمی رفسنجانی بدون هیچ مشکل شرعی و قانونی مسئولیت های ریاست جمهوری کشور را برعهده بگیرد. متن زیر استعفای آیت الله خامنه ای از مسئولیت ریاست جمهوری است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای

امیدهاست و همواره چنین خواهد بود
إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

این جانب، جلوه های حضور معنوی امام و مقتدای فقیدمان را امروز بوضوح احساس می کردم. این توفیق بزرگ، مرهون تلاش خالصانه جناب عالی است که شمع آن شبستان محبتید. بار دیگر از شما و دیگر عزیزان آن بیت معظم سپاسگزاری می کنم.
سید علی خامنه ای
۱۲/۰۵/۱۳۶۸»

مردادماه ۶۸: استعفا از سمت ریاست جمهوری

در مرداد ماه سال ۶۸، رهبر انقلاب برای اینکه آیت الله هاشمی بتواند سریعتر تمامی فعالیت های خود در سمت ریاست جمهوری را آغاز نماید، رهبر انقلاب از مسئولیت ریاست جمهوری خود استعفا می دهند؛ البته این استعفا نامه نیازمند توضیح برای خوانندگان عزیز است.

هر چند راقم این سطور دلیل این استعفا در این زمان را به طور یقینی پیدا نکرده است اما با تحلیل می توان دلایلی را برای این استعفا در این زمان ارائه کرد؛ به نظر می رسد از آنجا که آیت الله خامنه ای رئیس جمهور

با توجه به دستور کار شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، این نهاد محملاً قانونی یافت و در اصول قانون اساسی گنجانده شد؛ پس از آن نیز این اصل با رأی ملت در این سال به عنوان یکی از اصول قانون اساسی بازنگری شده، شکلی کاملاً قانونی یافت.

پس از تصویب قانون اساسی در پیشگاه ملت و تأیید آن توسط رهبر انقلاب، معظم له با دستوری به رئیس جمهور جدید کشور، از وی خواست تا شرایط فعالیت قانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام را فراهم سازد.

حکم رهبر انقلاب، زمینه آغاز به کار مجمع تشخیص مصلحت نظام به صورت یکی از اصول قانون اساسی بود:

« بسم الله الرحمن الرحيم
جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای
هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم جمهوری (دامت
تأییداته)

با سلام و تحیت. در اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی و به منظور تحقق مصالحی که در اصل مزبور بدان تصریح شده است، افراد مشروح ذیل را به عنوان اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای مدت سه سال منصوب می‌کنم:

حضرات فقهای شورای نگهبان، رؤسای

هاشمی رفسنجانی (دامت تأییداته)
با سلام و تحیت و تبریک مجدد کسب اعتماد عظیم ملت انقلابی و فداکار و انتصاب به مسئولیت افتخارآمیز ریاست جمهوری اسلامی ایران و آرزوی توفیق و تأیید الهی برای جناب عالی در راه خدمت بر اسلام و مسلمین و خدمت به این ملت عزیز. به اطلاع جناب عالی می‌رسانم که این جانب برای اینکه بتوانید مسئولیت خطیر خود را سریعاً آغاز نمایید، امروز (۶۸/۰۵/۲۵) از سمت ریاست جمهوری استعفا داده‌ام.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته
و حفظکم الله ناصرالدینه و مدافعا عن
عباده
سید علی خامنه‌ای
۱۳۶۸/۰۵/۲۵

• مهرماه ۶۸: آغاز کار مجمع تشخیص مصلحت نظام به صورت قانونی

اگر چه از سال ۱۳۶۶ و با دستور امام در پایان آن سال، مجمع تشخیص مصلحت آغاز به کار کرد، اما در قانون اساسی اصلی برای این موضوع وجود نداشت و فعالیت آن در ایام حیات امام خمینی، از باب ضرورت صورت پذیرفته بود.

• آبان ماه ۶۸: انتصاب فرزند امام به عنوان نماینده ولی فقیه در شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی امنیت ملی، مهم ترین نهاد قانونی کشور در زمینه امنیت ملی کشور است که رهبری دو نماینده در آن دارد؛ رهبر انقلاب در سال ۶۸ دو نماینده برای این نهاد قانونی منصوب کردند؛ یکی سید احمد خمینی و دیگری حسن روحانی.

البته نام حسن روحانی و نمایندگی وی از سوی رهبر انقلاب در این نهاد، امری مشهور است؛ اما بیشتر افراد از نمایندگی سید احمد خمینی در این نهاد بی اطلاع هستند؛ رهبر انقلاب در سال ۶۸، در حکمی، با توجه به شناخت خود از سید احمد از سویی و با توجه به اعتماد ویژه امام خمینی به فرزندشان از سویی دیگر، حجت الاسلام سید احمد خمینی را به همراه حجت الاسلام حسن روحانی به عنوان نمایندگی خود در این شورا منصوب کردند؛ متن این حکم نشان گر اعتماد ویژه رهبر انقلاب به یادگار امام راحل است:

« بسم الله الرحمن الرحيم »

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد خمینی (دامت تأییداته) در اجرای اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی و با توجه به تجربه و آگاهی جناب عالی از مسائل کشور و خصوصیات برجسته ای که اعتماد

محترم سه قوه، وزیر مربوط، رئیس کمیسیون مربوط مجلس شورای اسلامی، حضرات آیات و حجج اسلام: آقای مهدوی کنی، آقای حاج شیخ یوسف صانعی، آقای حاج سید احمد خمینی، آقای حاج سید محمد موسوی خوئینی، آقای حاج شیخ محمد علی موحدی کرمانی، آقای حاج شیخ حسن صانعی، آقای حاج شیخ محمد رضا توسلی، آقای حاج شیخ عبد الله نوری و جناب آقای میر حسین موسوی.

انتظار می رود جناب عالی با تشکیل و اداره ای مجمع مزبور، این نهاد قانونی و کارساز را به جریان انداخته، مصالح نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ و رشید ایران را در حوزه ای کارایی آن تأمین فرمایید.

و السلام علیکم و رحمة الله
سید علی خامنه ای

۱۳۶۸ / ۰۷ / ۱۲

نکته دیگر در این نامه تفاوت دیدگاه های اعضای منصوب شده برای این مجمع هستند؛ این نامه نشان از نگاه عمیق و کاملاً فرا جناحی رهبر انقلاب در اداره امور نظام و انقلاب است.

وظیفه را به خوبی ایفا کنند.

ایشان برای این مسئولیت، حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری را منصوب کرده و مسئولیت بازرسی را به عهده وی می گذارند؛ این بخش هم به نوبه خود توانست گره‌هایی را باز کند که بازگشایی آن در دیگر بخش‌های نظام ناممکن شده بود؛ ناطق نوری در خاطرات خود به بخش کوچکی از این گره‌گشایی‌ها اشاره کرده است. متن زیر حکم دوراندیشانه رهبر انقلاب برای تاسیس گروه بازرسی در دفتر رهبری است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای
حاج شیخ علی اکبر ناطق نوری (دامت
تأییداته)

با توجه به اهمیت رسیدگی و تفحص در امور کارگزاران و مجریان و با عنایت به اینکه گزارشها به این دفتر، به عنوان آخرین مرجع شکوه و دادخواهی و توصیف امور نامطلوب، باید به پاسخ و نتیجه‌ی تعیین‌کننده نایل گردد و با معرفت به سوابق برجسته‌ی جناب عالی و مسئولیتها و تجاربی که در طول مدت ده‌ساله بر عهده داشته و کسب کرده‌اید، تشکیل و اداره‌ی گروه بازرسی این دفتر را به

کم‌نظیر رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان حضرت امام خمینی (قدس سرّه) را به شما جلب کرده بود، جناب عالی را به نمایندگی خود در شورای عالی امنیت برای مدت سه سال منصوب می‌کنم. انتظار می‌رود که با شرکت فعالانه در آن شورا و تبادل نظر با این‌جانب، به پیشرفت مأموریت‌های مهم آن شورا کمک نمایید.

توفیق شما را از خداوند بزرگ مسئلت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۶۸/۰۸/۲۲

•دی‌ماه ۶۸: تاسیس دفتر بازرسی به عنوان آخرین ملجأ شکایات و دادخواهی‌ها

بسیاری از افراد گمان می‌کنند که حجت الاسلام ناطق نوری پس از دوره مجلس پنجم و ناکامی در انتخابات ریاست جمهوری به سمت مسئول دفتر بازرسی رهبر انقلاب منصوب شده است؛ حال آنکه نصب وی توسط رهبر انقلاب به سال‌ها قبل باز می‌گردد.

رهبر انقلاب از آنجا که اعتقاد داشته و دارند که دفتر ولی فقیه و رهبر انقلاب آخرین مرجع دادخواهی و شکوه و توصیف امور نامطلوب در کشور بوده و باید به پاسخ و نتایج تعیین‌کننده نایل شود، گروهی را در دفتر خود به عنوان گروه بازرسی منصوب کردند تا این

بتواند با ارائه مشورت‌های خود در سطح کلان نظام، برای اداره انقلاب نیروی مفیدی باشد. هر چند که موسوی خوئینی قدر این جایگاه را ندانست و کم کم به سمتی رفت که دیگر عملاً و علناً در برابر نظام و رهبری دانست و برای خود قبایسی فراتر از این مسئولیت‌ها دوخته بود. حکم رهبر انقلاب برای مشاورت سیاسی خوئینی به شرح زیر است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای
حاج سید محمد موسوی خوئینی
(دامت تأییداته)
با توجه به اصل یکصد و دهم قانون اساسی که سیاست‌گذاری‌های عمده‌ی نظام جمهوری اسلامی را بر عهده‌ی مقام رهبری قرار داده است و با معرفت به خصوصیات انقلابی و تجارب عملی جناب عالی در دوران ده‌ساله‌ی گذشته و بالخصوص مسئولیت‌های مهمی که از طرف رهبر کبیر و امام فقیدمان (رضوان الله علیه) به جناب عالی محول گردید و حاکی از اعتماد معظمه به شما می‌باشد؛ جناب عالی را به مشاورت سیاسی خود منصوب می‌کنم.

جناب عالی محول می‌کنم.
لازم است هسته‌ی مرکزی کوچک و کارآمدی فراهم آورده و حسب مورد، از آحاد مؤمن و انقلابی و هوشمند و بی‌غرض، بدون رعایت نسبت‌های جناحی و گروهی، برای بازرسی و تحقیق استفاده فرمایید.
خداوند به جناب عالی توفیق عنایت فرماید.

سید علی خامنه‌ای
۱۳۶۸ / ۱۰ / ۱۷

•دی‌ماه ۶۸: حکمی که قدر دانسته نشد
نگاه پدرا نه و فرا جناحی رهبر انقلاب در اداره امور کشور، چیزی نبوده و نیست که قابل کتمان باشد؛ یکی دیگر از این نشانه‌ها، حکم رهبر انقلاب برای سید محمد موسوی خوئینی به سمت مشاورت رهبری است؛ موسوی خوئینی‌ها که دشمنی خود با رهبر انقلاب را بعدها بیش از پیش روشن و آشکار ساخت، اما این دشمنی چیزی نبود که در آن روزها قابل مشاهده نباشد. با این حال رهبر انقلاب که به دنبال استفاده از تمامی تجارب و نگاه‌ها در اداره امور کشور و انقلاب بودند، از تجربه چندین ساله موسوی خوئینی در مسئولیت‌های کلان قضایی در کشور، چشم پوشیده و در حکمی وی را به عنوان مشاور سیاسی رهبری منصوب کردند تا وی

رهبر انقلاب در این مسئله ماندند، چرا که بحث مذاکره مستقیم با امریکا، چیزی نبود که در سطح روزنامه‌ها تصمیم‌گیری شود.

رهبر انقلاب در ۱۲ اردیبهشت و به مناسبت روز معلم در یک سخنرانی موضع خود نسبت به این امر را آشکار و عنوان کردند که «من معتقدم، آن کسانی که فکر می‌کنند ما باید با رأس استکبار یعنی امریکا مذاکره کنیم، یا دچار ساده‌لوحی هستند، یا مرعوبند. من بارها این نکته را عرض کرده‌ام که استکبار، بیش از اینکه نان قدرت و توانایی خودش را بخورد، نان هیبت و تشر خودش را می‌خورد. اصلاً استکبار، با تشر و ابهت و شکلک درآوردن و ترساندن این و آن، زنده است.

...من با مذاکره‌ی با امریکا مخالفم و دولت جمهوری اسلامی، بدون اجازه‌ی من امکان ندارد چنین کاری را بکند و خودشان هم قاعدتاً با چنین کاری موافق نیستند.» (بیانات در ۱۲ اردیبهشت ۶۹)

این سخنان صریح رهبر انقلاب باعث شد که عده‌ای گمان کنند ایشان شخص مهاجرانی را مورد توبیخ قرار داده‌اند؛ حال آنکه ایشان یک طرز تفکر را تخطئه کرده بودند. این گمان باطل عده‌ای باعث شد رهبر انقلاب جلوی این فکر باطل را بگیرند و با ارسال نامه‌ای برای مهاجرانی، بنویسند که مقصودشان تخطئه یک تفکر بوده و نه شخصیت مهاجرانی؛ ایشان حتی تعبیر بسیار بزرگوارانه و پدراانه‌ای را در این نامه به کار بردند که مهاجرانی هم گفت به هیچ وجه خود را شایسته این تعبیر نمی‌داند.

حیطه‌ی کار آن مشاورت، عبارت است از سیاستهای کلی کشور در امور داخلی و خارجی و قضایای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره. لازم است در امور ارجاعی و غیره، نظرات بررسی شده و سنجیده، تدوین و به‌عنوان نظر مشورتی ارایه گردد. مقتضی است از آحاد مؤمن و هوشمند و انقلابی و مجرب، بدون رعایت نسبت‌های جناحی و گروهی، برای بررسی و سنجش دقیق و عمیق مسائل استفاده فرمایید. شرح وظایف به صورت ریز را تهیه و ارایه فرمایید. خداوند به جناب‌عالی توفیق عنایت فرماید.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۶۸/۱۰/۱۷

۱۲ اردیبهشت‌ماه ۶۹: پدراانه یک پدر

اوایل اردیبهشت‌ماه ۶۹، عطاءالله مهاجرانی، معاون پارلمانی وقت ریاست جمهوری، در مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات، پیشنهاد مذاکره مستقیم با امریکا را ارائه و از این امر دفاع کرده بود؛ با انتشار این مقاله بحث‌های گسترده‌ای پیرامون این موضوع در کشور به راه افتاد و بیشتر بحث‌ها حول این محور می‌چرخید.

بحث‌ها که بالا گرفت و موافقان و مخالفان نظرات خود را اظهار و منتشر می‌کردند، بسیاری افراد منتظر نظر

۶۹ / ۰۲ / ۱۲

مهاجرانی بعدها درباره این اتفاقات و نامه رهبر انقلاب، در مجلس گفت: «من از این جهت بسیار شرمنده و افسرده شدم که چرا می‌بایستی به هر حال این مسئله به جایی برسد که ایشان تعبیری در یادداشت خودشان به کار ببرند که منتهای بزرگواری و کرامت و رفعت شأن ایشان است و بنده خودم را شایسته نمی‌دیدم». (جلسه رأی اعتماد به عنوان وزیر ارشاد)

• آبان‌ماه ۶۹: تقدیر از دکتر ولایتی و دست‌اندرکاران پیشرفت در روند صلح با عراق

بی‌شک نقش دستگاه دیپلماسی کشور در دستیابی به قطعنامه ۵۹۸ و پایان یافتن جنگ میان ایران و عراق، نقشی حساس و مؤثر بوده است؛ فعالیت مذاکره کنندگان دستگاه سیاست خارجی درباره جنگ و عواقب آن امری نبود که بلافاصله پس از جنگ پایان یابد؛ بلکه فعالیت این نهاد پس از جنگ بار دیگر چهره جدیدتری پیدا کرده بود.

به نتیجه رساندن قطعنامه ۵۹۸ و تلاش برای ایجاد صلح پایدار میان ایران و عراق از دیگر وظایف این دستگاه پس از اتمام جنگ بود؛ از این رو دستگاه سیاست خارجی جهاد خود را در عرصه پیگیری روند صلح میان ایران و عراق همچنان ادامه داد؛ رهبر انقلاب نیز به پاس تقدیر از زحمات این افراد، در آستانه سفر دکتر ولایتی، وزیر خارجه وقت کشور، به عراق، در پیامی به وی، از

این نامه نشان می‌دهد که رهبر انقلاب حاضر نبودند از سوی ایشان به هیچ‌احدی کوچکترین ناحقی و ظلمی صورت گیرد؛ حتی اگر این ناحقی به خاطر برداشت غلط عده‌ای و به ناروا هم صورت گرفته باشد:

باسمه تعالی

برادر گرامی، آقای عطاء الله مهاجرانی شنیدم بعضیها از حرفهای امروز من، قصد طعن و توهینی نسبت به جناب عالی استنباط کرده‌اند و شاید بعضی خواسته‌اند یا بخواهند آن را مستمسکی برای اهانت به شما بسازند. اعلام می‌کنم که این استنباط غلط است. من یک فکر را تخطئه کرده‌ام و نیت توهین به کسی نداشته‌ام و اگر بدون اراده‌ی من به شما توهین شده است، از شما عذر می‌خواهم. من شما را ده سال است به صدق و صفا و طهارت می‌شناسم و مطمئنم جز دلسوزی و خیرخواهی، نظری نداشته‌اید.

شما همچنان برادر خوب من هستید و حد اکثر آن است که به توصیه‌ی شما در مقاله‌ی «مذاکره‌ی مستقیم» عمل نخواهیم کرد.

و السلام علیکم
سید علی خامنه‌ای

این ادای وظیفه، مقبول درگاه حضرت احدیت و موجب پاداش الهی باشد. در پایان، از نقش عالی و تعیین‌کننده‌ی جناب رئیس‌جمهور محترم و مدبر کشورمان که بی‌شک به تأییدات الهی مستظهر بوده‌اند، صمیمانه تشکر و تقدیر می‌نمایم و امیدوارم وجود بابرکت ایشان، مشمول لطف حق و دعای حضرت ولی‌عصر (عجل الله فرجه الشریف) بوده باشید.

و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ
سید علی خامنه‌ای
۰۹ / ۰۸ / ۶۹

• دی‌ماه ۶۹: تأکید بر فتوای امام خمینی و حکم ارتداد سلمان رشدی

۲۵ بهمن ۶۷ بود که فتوایی از امام با سر آغاز «بسم الله الرحمن الرحیم؛ انا لله و انا الیه راجعون» منتشر شد و دنیای غرب را تکان داد؛ امام خمینی در این فتوا و حکم صریح خود درباره نویسنده مرتد کتاب آیات شیطانی، به صراحت نوشتند که «به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی

تلاش‌های او و دیگر دست‌اندرکاران پیگیری مذاکرات صلح تقدیر و توصیه‌هایی را نیز به آنان ارائه کردند. متن زیر تقدیر رهبر انقلاب از دکتر ولایتی و دیگر برادران مجاهد وزارت خارجه در عرصه پیگیری روند صلح در منطقه است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
جناب آقای دکتر ولایتی

وزیر محترم امور خارجه (دامت تأییداته)

اکنون که جناب‌عالی پس از توفیق در تلاش‌های فشرده و مجاهدت‌آمیز در مورد پیشرفت روند صلح با کشور عراق و حفظ حقوق حقه‌ی ملت ایران، عازم آن کشور می‌باشید، لازم می‌دانم حق‌شناسی و قدردانی خود را نسبت به یکایک برادران ارجمندی که در وزارت خارجه، با تلاش و ابتکار و اخلاص هوشمندانه‌ی خود، در یکی از مقاطع حساس و خطیر تاریخ ایران، به ملت و کشور خود خدمتی ماندگار و بزرگ کردند و دین خود را به اسلام و انقلاب ادا نمودند، ابراز نمایم و از همه‌ی آنان و از جناب‌عالی که با مدیریتی توان‌فرسا، آن تلاش‌ها را هدایت نموده‌اید، تشکر کنم. امید است

کند و زاهد زمان هم گردد»، ثابت است». متن این حکم که نقش بر آب کننده تمام خیالات واهی غرب درباره رهبر جدید ایران بود، به شرح زیر است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حکم تاریخی و تغییرناپذیر حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) در مورد نویسنده‌ی کتاب کفر آمیز آیات شیطانی و تعهد مسلمانان در سراسر جهان به اجرای این حکم اسلامی، نخستین ثمرات خود را در صحنه‌ی رویارویی اسلام با کفر جهانی نشان می‌دهد و استکبار غرب که حمله به مقدسات یک میلیارد مسلمان جهان را مقدمه‌ای برای تحقیر مسلمین و از بین بردن انگیزه‌های خیزش اسلامی در جهان قرار داده بود، به صورت مفتضحانه و گام‌به‌گام مجبور به عقب‌نشینی شده و این شاء الله با ادامه‌ی مقاومت مسلمانان جهان، از این پس کسی جرأت اهانت به پیامبر معظم (ص) و مقدسات اسلامی را نخواهد یافت.

حکم اسلام در مورد نویسنده‌ی کتاب آیات شیطانی، همان‌گونه که حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند:

جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله». (صحیفه امام؛ ج ۲۱: ۲۶۳)

فتوای امام آنقدر سنگین بود که غرب نتواند از شوک آن به راحتی خارج شود؛ فتوای مزبور زندگی را بر مؤلف کتاب «آیات شیطانی» تا ابد تلخ کرد؛ غرب فشار سنگین خود را بر دولت و رهبر ایران آغاز کرد تا ایشان فتوای خود را پس بگیرند؛ اما امام خمینی کوچکترین تزلزلی نشان ندادند و با قوت از فتوای ارتداد سلمان رشدی دفاع کرده و حتی بار دیگر نیز پیام دادند که «سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی هم خود را به کار گیرد تا او را به درک واصل گرداند». (صحیفه امام؛ ج ۲۱: ۲۶۸)

پس از رحلت حضرت امام و با گذشت بیش از یک‌سال از این ماجرا، غرب که گمان کرده بود این فتوا تنها مختص امام خمینی بوده و جانشین او جرأت و یارای ایستادگی و انتشار چنین فتوایی را ندارد، بار دیگر تلاش خود را برای فشار بر نظام و رهبر ایران آغاز کرد تا شاید رهبر جدید ایران دست از این فتوای سرنویشت ساز بردارد؛ اما این خیال خام به هدف مطلوب غرب نرسید؛ آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای با انتشار اطلاعیه‌ای به صراحت نوشتند که حکم امام خمینی درباره وجوب قتل سلمان رشدی، تغییر ناپذیر بوده و «حکم اسلام در مورد نویسنده‌ی کتاب آیات شیطانی، همان‌گونه که حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند: «اگر توبه

«اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد»، ثابت است و چنین تشبثاتی که با همیاری بعضی افراد به ظاهر مسلمان صورت می‌گیرد، تغییری در این حکم الهی نخواهد داد.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۶۹ / ۱۰ / ۰۵

• تیرماه ۷۰: نامه‌ای برای گل آقا؛ تأکید بر اهمیت طنز

تیرماه ۱۳۷۰ مجله گل آقا که با زبان طنز فعالیت داشت، به یک سالگی خود رسید؛ کیومرث صابری، مدیر مسئول مجله‌ی گل آقا در نامه‌ای به محضر رهبر انقلاب درباره این مجله و ویژگی‌های آن نوشت و نسخه‌هایی از شماره‌های انتشار یافته آن را برای ایشان ارسال کرد. رهبر انقلاب در پاسخ به نامه صابری، به بررسی خود از نشریه گل آقا خبر داده و بر اهمیت زبان طنز تأکید جدی داشتند؛ آیت الله خامنه‌ای در این نامه، که گوشه‌ای دیگر از شخصیت چند بعدی ایشان را نشان می‌دهد، بر اهمیت و نقش بی‌بدیل زبان طنز در انتقال و آگاه کردن مردم از خدعه دشمن، تأکید کرده و نوشتند که امیدوارند این مجله روزهای بهتری را پیش رو داشته باشد.

نگاه ویژه به طنز صادقانه، و تأکید بر نقش و اهمیت ویژه آن، در نامه رهبر انقلاب به مدیر مسئول گل آقا، به خوبی نمایان است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خدا را شکر که این طنز شیرین و پُرمغز، به دوره‌ی جلدشده‌ی یکساله رسید و آزمون‌ی از یک اقدام موفق در یک خلأ فرهنگی و هنری را در برابر چشم همه‌ی کسانی که برای شروع کارهای لازم، تردیدها را بر تصمیمها غلبه می‌دهند، گذاشت. ادعا نمی‌کنم که کار شما کامل و بی‌عیب است؛ اما با ملاحظه‌ی اجمالی شماره‌های «گل آقا»، امید هرچه بهتر شدن و کامل‌تر شدن آن را دارم.

طنز صادق و دلسوزانه باید همه‌ی نقاط معیوب، بخصوص آن‌ها را که کمتر به چشم می‌آیند و آن‌ها که بیشتر به علم و اطلاع همگان از آن نیاز هست، هنرمندانه ببیند و بنمایاند. امروز جامعه و نظام انقلابی ما با دشمنانی روبه‌روست که همه‌ی ابزارهای محسوس و نامحسوس را برای ضربه زدن و جریحه‌دار کردن مردم و نظام و انقلاب به کار می‌برند. برای آگاه کردن ذهن مردم از خدعه‌ی دشمن، چه وسیله‌ای از طنز هنرمندانه و شیرین و زیرکانه، بهتر و کاری‌تر؟

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشته و در صدر اول و همه‌ی دوران هزار و چهار صدساله در میان مسلمانان، متداول و معروف بوده است، بدون کلمه‌ئی کم یا کلمه‌ئی زیاد. این سخن همه‌ی فرق مسلمین و مورد اتفاق آنان است، و مخالفت عده‌ی معدودی از اهل تسنن و شیعه و در دوره‌های گذشته، که با استنباط قشری و غیر عالمانه از بعض منابع اسلامی، دچار خطای «قول به تحریف» شده‌اند، مورد اعتنای محققین قرار نگرفته و بکلی متروک گردیده است و امروزه نسبت چنین خطائی به هر یک از فرق اسلامی و شعب آن‌ها جایز نیست.

این امتیاز بزرگ آئین مقدس اسلام است که در آن، وحی الهی با همان حروف و کلمات نازل شده‌ی بر قلب مقدس پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله تا امروز و تا ابد در دسترس همه‌ی آحادی که بخواهند از آن بیاموزند و هدایت یابند، بوده و خواهد بود، و این است انجامز وعده‌ی الهی که فرمود: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون

إِنْ شَاءَ اللَّهُ شَمَا وَ هَمَكَارَانْتَان مَوْفِق
بَاشِيد.

سَيِّد عَلِيّ خَامَنَه‌ای

۲۷ / ۰۴ / ۷۰

• اردیبهشت ماه ۷۱: دستخطی مبنی بر عدم تحریف قرآن کریم

دستخطی از رهبر انقلاب وجود دارد که مربوط به سال ۷۱ و درباره عدم تحریف در قرآن کریم است. رهبر انقلاب در این دستخط با اشاره به این امر که عدم تحریف در قرآن مورد اتفاق همه فرق مسلمین است، می نویسد که در عین حال برخی به خاطر «استنباط قشری و غیر عالمانه از بعض منابع اسلامی، دچار خطای «قول به تحریف» شده‌اند؛ ولی قول آنان هیچ اعتباری ندارد.

رهبر انقلاب در این مکتوب خود، از نگاهی محققانه این قول تحریف را رد کرده و می نویسد این عدم تحریف کتاب مقدس، امتیاز ویژه مسلمانان است، و انجامز وعده و آیه الهی « انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون » است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از جمله‌ی مطالب مسلم و غیر قابل خدشه در نظر ما، آن است که قرآن مجید که امروزه در اختیار مسلمین عالم است عیناً همان است که بر

سید علی خامنه‌ای

۱۳۷۱ / ۲ / ۱

البته مشخص نیست رهبر انقلاب این دستخط را برای کجا نگاشته‌اند.

• مهرماه ۱۳۷۳: تشویق هاشمی رفسنجانی به مبارزه با گران‌فروشی

در سال ۱۳۷۳ که دولت سازندگی به ریاست هاشمی رفسنجانی بر مصدر امور بود، شاهد رشد تورم در کشور بودیم؛ به گونه‌ای که تورم در کشور که در سال ۱۳۷۲ حدود ۲۲ درصد بود به یکباره و با افزایش ۱۳ درصدی به بیش از ۳۵ درصد رسید و این برای بخش وسیعی از مردم مشکلاتی را به وجود آورد.

بالارفتن نرخ تورم در کشور در سال ۱۳۷۴ شدت بیشتری هم پیدا کرد؛ افزایش بی‌رویه نرخ تورم سبب ایجاد گرانی افسار گسیخته در کشور و گران‌فروشی بدون حساب و کتاب عده‌ای سودجو گردید. هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس دولت، در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در ۱۵ مهرماه ۱۳۷۳ به شدت بر گران‌فروشی حمله کرد و وعده برخورد قاطع با گران‌فروشان را به مردم داد.

این موضع قاطع، و تا حدودی هم دیرهنگام، سبب شد که رهبر انقلاب به تقدیر از مواضع رئیس‌جمهور بپردازند و استقبال خود از این‌گونه مواضع و رفتارها را با ارسال مکتوبی برای هاشمی رفسنجانی از وی تشکر کردند. ارسال این نامه از سوی رهبر انقلاب نشان می‌دهد که ایشان به شدت به فکر معیشت طبقات

محروم و متوسط جامعه بوده و از کمترین صداها و مواضع از مسئولین وقت درباره مبارزه با گران‌فروشی را که به سود این طبقات بود، استقبال و تقدیر می‌کردند. در واقع شنیدن خبر برخورد قاطع با گران‌فروشان در روزهایی که مردم بسیاری با افزایش بی‌رویه نرخ تورم و سودای سازندگی مسئولان، زیر این چرخ‌ها له می‌شدند، می‌توانست بسیار امید بخش باشد.

رهبر انقلاب در نامه تقدیر خود از مواضع هاشمی، با تأکیدات فراوان از دولت می‌خواهند مبارزه با گران‌فروشی که موجب خرسندی ملت هم هست، با قاطعیت دنبال شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور محترم و مکرم

با سلام و تحیت، بیانات امروز جناب‌عالی در خطبه‌ی جمعه در باره‌ی مبارزه با گران‌فروشی بی‌شک موجب خرسندی مردم عزیز و مورد پشتمبانی قاطع آنان است. گران‌فروشی پدیده‌ی زشت و ظالمانه‌ی است که بار سنگین آن غالباً بر دوش مردم ضعیف قرار می‌گیرد و از طرفی تلاشهای اقتصادی مسئولان دولتی را که بحمد الله از موفقیت‌های چشمگیری هم برخوردار گردیده است ناموفق جلوه می‌دهد و زمینه برای تبلیغات خصمانه و دروغین دشمنان فراهم می‌آورد.

بر این ارزش جمهوری اسلامی که کشور اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، از مقام قهرمانی باز ماند. دست اندرکاران ورزش کشور پس از بازگشت ملی‌پوشان، تصمیم به تاسیس ورزشگاهی به نام دارنده مدال طلای مسابقات یعنی رسول خادم گرفت و توجهی به امیررضا خادم نشد. رهبر معظم انقلاب به محض آگاهی از این خبر در مکتوبی که برای مسئولین فرستادند، نوشتند که ارزش کار امیررضا کمتر از رسول نیست؛ ایشان تا کید کردند که حرکت امیررضا خادم به سان جوانمردهای افسانه‌ای پهلوانان قدیم بوده و تنها این تفاوت را دارد که وی به خاطر مواضع به حق ملت ایران چنین عملی را انجام داده و باید تجلیل شایسته‌ای از وی صورت گیرد. متن یادداشت رهبر انقلاب به شرح زیر است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
در مسابقات اخیر، قهرمانی جوان عزیز، امیررضای خادم کمتر از برادر دلاورش رسول خادم نیست. رفتار وی جوانمردی‌های افسانه‌ای پهلوانان قدیم را به یاد آورد، با این تفاوت که این یک، حرکت قهرمانانه‌ی خود را برای حفظ مواضع بحق سیاسی ملت ایران انجام داد؛ لذا از وی باید تجلیلی شایسته بعمل آید. مثلاً مجتمع ورزشی خادم به نام هر دو برادر اعلام شود: مجتمع

بنابراین مبارزه با گران‌فروشی، مبارزه با یک ظلم مضاعف است. از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که دولت خدمتگزار را در این کار بزرگ موفق فرماید و از آحاد ملت عزیز و نیز از قوای محترم مقننه و قضائیه می‌خواهم که با دولت در این کار، همکاری و معاضدت نمایند.
و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ
سَيِّدِ عَلَیْ خَامَنَةِ‌ای
جمعه ۱۵ مهرماه ۷۳

• مردادماه ۷۴: تجلیل از یک قهرمان خاص ورزشی

مرداد ماه ۱۳۷۴ زمان برگزاری مسابقات کشتی جهانی در آتلانتای آمریکا بود؛ برادران خادم، یعنی امیررضا و رسول، در دوران اوج کشتی خود به سر می‌بردند و از امیدهای ایران برای کسب مدال طلا. رسول خادم موفق شد به این انتظارات جامه عمل بپوشاند و به مقام قهرمانی مسابقات رسید.

امیررضا خادم نیز که در آمادگی به سر می‌برد و در مسابقات مقدماتی پیروز از میدان خارج می‌شد، در بازی بعد به حریف رژیم صهیونیستی برخورد کرد؛ خادم از مقام قهرمانی و مدال طلا چشم پوشید و با تأکید بر آرمان‌های انقلاب درباره فلسطین، از حضور در تشک کشتی در برابر این رقیب سر باز زد، و با تأکید

حفظ کند و شاد و سالم بدارد و برای آینده‌ی کشور و ملتتان ذخیره نماید. عزیزان من اسلام به جوانان مؤمن و عالم و شجاع و سالم نیازمند است تا بتوانند در مقابل دشمنان از آن دفاع کنند و دین خدا را که مایه‌ی سعادت انسانها است به انسانها هدیه کنند. سعی کنید خود را آن‌طور که اسلام می‌پسندد، بسازید و برای آینده‌ی اسلام و مسلمین مفید باشید و خدا را از خود خشنود نمایید. به شما دعا می‌کنم.

و السَّلَام عَلَیْکُمْ
سَيِّدِ عَلَیَّ خَامَنَه‌ای
۱۳۷۵ / ۰۴ / ۰۴

• دی‌ماه ۷۶: تقدیر از اقدام خردمندانه مجلس

یکی از مباحث مطرح شده در مجلس چهارم و پنجم که فراز و نشیب‌های فراوانی هم در پی داشت، بحث قانون مطبوعات بود؛ آخرین قانون مطبوعات کشور در آن سال‌ها، مربوط به مصوبه سال ۱۳۶۴ بود؛ این قانون که در شرایط بحرانی کشور هم نگاشته شده بود، دارای نکات مثبت فراوانی بود؛ هر چند که نکات منفی جدی آن نیز قابل چشم پوشی نبود.

اصلاح قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ تقریباً مورد تأکید اغلب گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی

ورزشی برادران خادم. رهبر انقلاب با این دستخط و دستور خود تأکید کردند که قهرمانی تنها به کسب مدال نیست و دفاع از حق و مواضع به حق ملت ایران ارزشی بسیار والا دارد.
۱۳۷۴ / ۰۵ / ۲۸

• تیرماه ۷۵: نامه‌ای به یک نوجوان لبنانی

در سال ۱۳۷۵ نامه‌ای به دست رهبر انقلاب می‌رسد که توسط یک نوجوان لبنانی نگاشته و ارسال شده بود؛ این نامه حاوی احساسات پاک این نوجوان لبنانی نسبت به رهبر معظم انقلاب بود؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای چند خطی را در پاسخ به نامه این نوجوان می‌نویسند؛ این نامه که حاوی نکات جالبی می‌باشد، با مطلع « پسر عزیزم! » آغاز می‌شود.

متن زیر مکتوب رهبر انقلاب در پاسخ به نامه این نوجوان لبنانی است که در آن ولی معظم فقیه، توصیه‌هایی را به نوجوانان لبنانی می‌کنند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پسر عزیزم

نامه‌ی تو را دریافت کردم و از محبت پاک و بی‌شائبه‌ات متشکرم. شما کودکان و نوجوانان لبنانی در دل من جای دارید و از خدا می‌خواهم شما را

به ملت مؤمن و شجاع و قدرشناس ایران بود. این حرکت پسندیده، دل‌های مردم آگاه و نگران را شادمان کرد و بیگانگانی را که دل به آشفته‌بازار مطبوعاتی در ایران بسته بودند، خشمگین و ناکام ساخت. اینجانب وظیفه دارم از نمایندگان محترم و بطور ویژه از رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و هیئت رئیسه، تشکر کنم و از عمل صواب آنان قدردانی نمایم. در دو روزی که از این اقدام بزرگ می‌گذرد رسانه‌های بیگانه‌ای که ابزار دست غارتگران بین‌المللی و وسیله‌ی اغراض صهیونیستها و مراکز سلطه‌ی استکباری‌اند، نتوانسته‌اند خشم و نومییدی خود را از این حرکت هوشیارانه کتمان کنند و در پی آنند که با دروغ‌پراکنی و تحریف حقائق در صفوف متحد ملت ایران رخنه و اختلاف به وجود آورند. ملت عزیز ایران بخوبی می‌دانند که کارآمدترین سلاح آنان در مقابل توطئه‌ی دشمنان، وحدت همدلی در تمسک به اسلام و دفاع از قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی است.

۱۳۷۶/۱۰/۰۱

کشور بود. اما چگونگی جهت‌گیری در اصلاح نیز بسیار با اهمیت بود.

در سال ۱۳۷۴ هفده نفر از نمایندگان مجلس پیش‌نویس طرح قانون مطبوعات را به مجلس ارائه کردند؛ این قانون به مجلس پنجم هم کشیده شد. در اوایل فعالیت مجلس پنجم بود که بحث این قانون دوباره مطرح شد. قانون تازه نگارش یافته دارای ایرادات جدی بود؛ این طرح قانون مطبوعات را به کلی دگرگون می‌ساخت و با مخالفت شدید بسیاری از روزنامه‌نگاران و مخصوصاً افکار عمومی روبه‌رو شده بود؛ این در حالی بود که رسانه‌های بیگانه و دشمنان، با ذوق و شوق در انتظار تصویب این قانون بودند. نمایندگان ملت اما به تأسی از خواست ملت، قانون مزبور را از دستور کار خود خارج نمودند و به این ترتیب هم زمینه نگرانی از مردم را برطرف ساختند و هم خیالات واهی دشمنان را نقش بر آب کردند.

اقدام شایسته و وقت‌شناسانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مورد تقدیر رهبر انقلاب نیز قرار گرفت؛ از این رو ایشان با ارسال نامه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس، از اقدام خردمندانانه آنان تقدیر، و زمان شناسی آنان را ستودند:

باسمه تعالی

اقدام خردمندانانه و مسئولانه‌ی مجلس شورای اسلامی در کنار گذاشتن طرح تغییر قانون مطبوعات، خدمتی بزرگ

• تیرماه ۷۷: پیام تبریک به ملی پوشان به خاطر شکست رقیب همیشگی

در سال ۱۳۷۷ تیم فوتبال ایران موفق شد پس ۲۰ سال به جام جهانی راه پیدا کند. این اتفاق برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی رخ می داد؛ اما آن چیزی که ماجرای صعود تیم ملی ایران به جام جهانی را رنگ و بوی خاصی بخشید، هم گروهی ایران با تیم ملی آمریکا در این مسابقات بود. این اتفاق نیز برای نخستین بار رخ می داد.

تیم فوتبال آمریکا نسبت به تیم ایران جایگاه بهتری در رده بندی جهانی داشت و از لحاظ تیمی نیز برتر از تیم ایران شناخته می شد؛ بدین خاطر اغلب پیش بینی ها بر پیروزی این تیم بر تیم ملی ایران حکایت داشت؛ دولتمردان امریکایی از چندی پیش از این بازی، نگاهی سیاسی به بازی را در عرصه رسانه ای به راه انداخته بودند و شکست تیم ایران در این بازی باعث به ثمر رسیدن تبلیغات رسانه ای آنان می شد.

در این شرایط ملی پوشان ایرانی، با غیرت در برابر حریف قدرتمند خود ظاهر شدند و در میان شگفتی همگان، تیم فوتبال امریکا را شکست دادند. این رخداد باعث پیروزی میلیون ها ایرانی در سرتاسر جهان شد؛ رهبر انقلاب نیز با ارسال پیامی به ملی پوشان، پیروزی های مختلف در عرصه های گوناگون در برابر این حریف را یادآور شده و از آنان به خاطر شاد کردن دل ملت ایران سپاسگذاری کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم
عزیزان! به نام خدا در بازی جوانمردانه ای امشب، که با مهارت و قدرت همراه بود، بر حریف توانای خود پیروز شدید؛ سپاس و درود بر شما.

این، تصویری زیبا از مجاهدت ملت ایران در همه ی صحنه های زندگی انقلابی اوست. ترکیبی از هوشمندی، قدرت، تلاش مخلصانه و هماهنگ و در بهشتی از یاد خدا و توکل. همین مجاهدت کم نظیر بود که در دوران انقلاب و در سالهای دفاع مقدس و در همه ی درگیریهای ملت ایران با شیطان بزرگ، به ملت ما پیروزی و سرافرازی بخشید.

امشب نیز یکبار دیگر حریف قوی پنجه و مستکبر طعم تلخ شکست را از دست شما چشید. خرسند باشید که ملت ایران را خرسند کردید.
سید علی خامنه ای

۱/۴/۷۷

• اسفندماه ۷۸: دستور پیگیری ماجرای ترور سعید حجاریان

اسفندماه ۱۳۷۸ یک بار دیگر، یک ترور مشکوک به جامعه و نظام شوک وارد کرد دولت را با چالش

سرعت و جدیت بیشتری در جستجو و تعقیب عوامل جنایت باشند.

رهبر انقلاب در نامه خود به رئیس شورای عالی امنیت ملی، به گوشه‌ای از برنامه ریزی‌های صورت گرفته برای سوء استفاده از این رخداد علیه نظام جمهوری اسلامی و نهادهای آن اشاره کرده و به رئیس جمهور دستور دادند که این قضیه نباید مانند جریان قتل‌های زنجیره‌ای بدون نتیجه بماند. ایشان به سید محمد خاتمی یادآور شدند که تنها در صورت به نتیجه رسیدن این موضوع، دغدغه ایشان کاهش خواهد یافت. متن دستور رهبر انقلاب که حاوی نکات بسیاری برای خوانندگان است، به شرح زیر است:

جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی

با سلام و تحیت. حادثه‌ی ترور هفته قبل و برخی قضایای پیرامونی آن تا امروز، موجب نگرانی این جانب از آینده‌ی امنیت کشور است و از آن رو شایسته است که جناب عالی به دستگاه‌های مسئول همچون وزارت‌های اطلاعات و کشور و شورای امنیت کشور دستور فرمائید با سرعت و جدیت بیشتری در جستجوی کشف و تعقیب عوامل جنایت باشند. بیم آن

جدیدتری مواجه ساخت. ماجرا از این قرار بود که سعید حجاریان که به عنوان مغز متفکر دولت و جریان اصلاحات محسوب می‌شد در حوالی محل کارش، یعنی شورای شهر تهران هدف گلوله دو جوان قرار گرفت و ترور شد. البته این ترور ناموفق بود و سعید حجاریان از این حادثه جان سالم به در برد.

این ترور ناموفق کافی بود تا موج رسانه‌ای جریان اصلاحات و ضد انقلاب به سمت رقیب و جریان راست نشانه رفته و این جریان را به شدت تخریب کند؛ جریان اصلاحات و رسانه‌های زنجیره‌ای آن از هر فرصتی برای تخریب رقیب خود بهره می‌برد؛ انتساب قتل‌های زنجیره‌ای به حکومت و جریان راست، ایجاد شبهه بحران آفرینی برای دولت خاتمی و حال هم ترور مغز متفکر این جریان کافی بود تا آتش تبلیغات و تخریب بدون هیچ محدودیتی رقیب سنتی را نشانه رود.

در این فضا تدریجاً جریان اصلاحات، خوش داشتند که از این شرایط ماهی خود را از این آب گل آلود صید کنند؛ از این رو تلاش این جریان این بود که این ترور را به حکومت منسوب کنند و این گونه تبلیغ کنند که جریان حاکمیت مانع از فعالیت دولت خاتمی و جریان اصلاحات است؛ و به این ترتیب موجی در میان مردم بر علیه نهادهای حکومت و جمهوری اسلامی به راه بیندازند.

در این شرایط و پیش از آنکه این فتنه گران، در آتش این فتنه علیه نظام بدمند، رهبر انقلاب در نامه‌ای به رئیس جمهور، سید محمد خاتمی، دستور دادند که با

شایسته است مسئولان یادشده را موظف فرمائید که در مدت معینی به نتیجه‌ی قانع‌کننده‌ی در پرونده‌ی آن حادثه برسند، در این صورت نگرانی و دغدغه‌ی این جانب کاهش خواهد یافت.

و السلام علیکم
سید علی خامنه‌ای

۷۸ / ۱۲ / ۲۸

ماجرای وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم بعد از اینکه دو عامل ترور سعید حجاریان دستگیر شدند، وی آن‌ها را بخشید و از شکایت خود صرف نظر کرد؛ این امر بر پیچیدگی ماجرای افزود که مشخص شده بود بیش از آنکه نیروهای جریان راست در ماجرای ترور دست داشته باشند، این خود جریان اصلاحات و تندروهای اصلاح طلب بودند که راه اندازان اصلی این ماجرا بودند و به همین خاطر هم بود که چشم پوشی حجاریان از شکایت، صحت این موضوعات را مورد تایید بیشتر قرار می‌داد.

نکته دیگر این پیام تاکید رهبر انقلاب بر این نکته بود که سپاه و بسیج را مطمئن‌ترین حافظان امنیت ملی توصیف کردند.

• اردیبهشت‌ماه ۷۹: دستور تایید صحت انتخابات مجلس ششم در شهر تهران

انتخابات مجلس ششم در تهران از شب‌هه برانگیزترین

هست که این قضیه نیز مانند پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای دامنه‌دار و تبدیل به موضوعی مبهم و شایعه‌انگیز گردد. در موضوع قتل‌ها باینکه جناب‌عالی هیئت‌هائی را پی‌درپی مسئول پیگیری کردید، تمام نشدن موضوع، موجب بروز شایعات و ایجاد فضای تردید و ابهام شد، در این قضیه نیز مشاهده می‌شود که متأسفانه برخی زبان‌ها و قلم‌ها بشدت سرگرم التهاب‌آفرینی و شایعه‌پردازی‌اند. برخی بی‌تعهدی را به آنجا رسانده‌اند که علاوه بر نام آوردن از افراد و اشخاص، با اتهام‌های بی‌دلیل، حتی سازمان‌های مسئول و مورد اعتماد و حتی سپاه و بسیج یعنی مطمئن‌ترین حافظ امنیت ملی را زیر سؤال برده‌اند. در چنین فضای آشفته‌ای کدام دستگاه قضائی و امنیتی می‌تواند با دقت و تسلط بر اعصاب، به مسئولیت خود قیام کند؟ این جوسازی و غوغاگری موجب آن است که عناصر جنایت‌کار با خیال راحت بتوانند از چشم قانون پنهان بمانند و به همین خاطر این‌جانب نسبت به اظهارات کسانی که به این جو دامن می‌زنند خوش‌بین نیستم.

ایشان در میان گذاشتند و از ایشان درخواست راهنمایی کردند.

رهبر انقلاب در پاسخ به اعضای شورای نگهبان نوشتند که چون امکان بازشماری تمام صندوق‌ها وقت زیادی می‌برد و وجود تقلب نیز در آنها محرز نشده است؛ به مصلحت کشور نیست که چنین اقدامی صورت گیرد و باید صحت انتخابات تهران تایید شود. و این گونه ایشان با این دستور، مشکلی را که در حال تبدیل شدن به بن بستی در کشور بود، حل و به ماجراها خاتمه دادند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حضرات اعضای محترم شورای
نگهبان (دامت توفیقاتهم)
با سلام و تحیت در پاسخ به نامه‌ی
آقایان محترم در مورد انتخابات
تهران، ابتدائاً لازم می‌دانم از تلاش
مسئولان‌هی آن شورا در پاسداری از
آراء انتخاباتی ملت شریف ایران از
دقتی که در عمل به وظیفه‌ی بزرگ
امانت‌داری، به کار برده‌اید صمیمانه
تشکر کنم. بی‌شک خدمات مرارت
بار و پرنجی از این قبیل، پاسخ
شایسته‌ی مسئولان به این ملت بزرگ
و وظیفه‌شناس و لازمه‌ی شکرگزاری
نعمت نظام اسلامی در برابر خداوند
متعال است. این‌جانب پس از قدردانی

انتخابات برگزار شده در تاریخ جمهوری اسلامی محسوب می‌شود؛ ادله و اسناد قابل توجهی از وجود تقلب در برخی صندوق‌ها ارائه شد که بعضاً هم پس از بازشماری صندوق‌ها به اثبات رسیده بود. این انتخابات نخستین انتخابات مجلس برگزار شده توسط دولت سیدمحمد خاتمی بود که نقطه تاریکی در عملکرد وزارت کشور آن دوران محسوب می‌شد.

از نقاط بارز در تایید تقلب تغییر جایگاه هاشمی رفسنجانی در بازشماری تنها بخش کوچکی از آرا در تهران بود؛ به گونه‌ای که هاشمی از جایگاه سی‌ام به جایگاه زیر بیستم راه پیدا کرد و این احتمال می‌رفت که با بازشماری تمامی صندوق‌ها، آراء وی به زیر جایگاه دهم برسد. در این حال که موج تخریب روزنامه‌های زنجیره‌ای و جریان اصلاحات علیه هاشمی، اوج گرفته بود، وی ترجیح داد وارد مجلسی که اصلاح‌طلبان اینگونه از او استقبال می‌کنند، نشود؛ و در نتیجه از ادامه رقابت انصراف داد.

با وجود انصراف هاشمی، شورای نگهبان که با تقلب‌های بی‌شماری در برخی صندوق‌ها مواجه شده بود، در تایید صحت انتخابات تردید کرد؛ هر چند که سند غیر قابل انکار درباره دیگر صندوق‌ها وجود نداشت و تنها از احتمال تخلف سخن گفته می‌شد. با این حال زمان به آغاز به کار رسمی مجلس نیز نزدیک می‌شد؛ و بازشماری تمام صندوق‌های تهران، زمان بسیار زیادی می‌گرفت. در این شرایط اعضای شورای نگهبان در نامه‌ای به محضر رهبر انقلاب، ماجرا را با

مسئلت می‌کنم. سید علی خامنه‌ای ۷۹ / ۲ / ۲۹

و به این ترتیب ماجرای انتخابات پرحاشیه مجلس ششم در تهران به پایان رسید؛ بعدها هم برخی دست اندرکاران انتخابات، از جمله مصطفی تاجزاده، معاون سیاسی وزیر کشور دولت خاتمی و برگزارکننده انتخابات، در دادگاه به عنوان متخلف شناخته شد و به مجازات هم رسید.

• مردادماه ۸۰: نامه‌ای برای جلوگیری از کارشکنی‌های مجلس ششم

دوره سه تن از فقهای شورای نگهبان در تابستان ۸۰ به پایان رسید و رئیس قوه قضائیه در نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی وقت، شش تن از حقوق‌دانان برجسته را معرفی کرد تا ۳ نفر از آنان از این مجلس، رأی لازم را اخذ نموده و به عنوان حقوق‌دانان شورای نگهبان به فعالیت پردازند. اما مجلس تندروی ششم که در اختیار تندروهای مشارکت و اصلاحات بود به شدت چوب لای چرخ حقوق‌دانان جدید می‌گذاشت و حاضر به تایید حقوق‌دانان معرفی شده توسط رئیس قوه قضائیه نبود.

این اتفاق شرایط را برای کشور و ساز و کارهای قانونی کشور دچار مشکل می‌کرد؛ از سویی مدت قانونی سه حقوق دان به پایان رسیده بود، و از سوی دیگر مجلس حاضر به تایید حقوق‌دانان معرفی شده از سوی رئیس دستگاه قضا نبود؛ این اتفاق به شدت مورد تمایل

و تشکر از تلاش‌های آقایان محترم و دیگر دست‌اندرکاران انتخابات، نکات زیر را اعلام می‌دارم:

۱. صندوقهایی که مخدوش بودن آن از نظر شورای نگهبان به اثبات رسیده است و با معیارهای آن شورا قابل تأیید نیست باید ابطال گردد.

۲. به نظر می‌رسد که بازشماری بقیه صندوقها که طبق آنچه در نامه‌ی خود مرقوم داشته‌اید جز در مدتی طولانی ناممکن و برخلاف مصلحت است، وظیفه‌ای شرعی و قانونی را متوجه آن شورا نمی‌سازد زیرا وجود تخلف در آن‌ها محرز نیست.

۳. وضعیت منتخبان تهران با توجه به کلیه صندوقها بجز آنچه در بند ۱ آمده است ملاحظه و نتایج آن به عنوان نتایج قطعی انتخابات تهران اعلام شود.

۴. دستگاه قضائی و بازرسی موظفند عاملان تخلف در صندوقهای مخدوش را شناسایی و تحت تعقیب قانونی قرار دهند

در پایان از خداوند متعال توفیق و کمک به آقایان محترم و همه‌ی خدمتگزاران به کشور و نظام مقدس اسلامی را

کافی بود. رهبر انقلاب با اضافه کردن قیوداتی به نظر مشورتی مجمع، آن را ابلاغ کردند. این تدبیر رهبر انقلاب سبب شد که شرایط از پیچیدگی خارج شود. دو تن از حقوقدانان معرفی شده با توجه به رای اکثریت نسبی، به عنوان حقوقدان معرفی شده و گروهی تندروهای اصلاح طلب در مجلس ششم، به نتیجه دلخواه آنان نرسید. مراسم تحلیف نیز با چند روز تاخیر و بدون هیچ شبهه قانونی برگزار شد. متن زیر، مکتوب ارسال شده رهبر انقلاب خطاب به رئیس مجلس ششم است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
جناب حجة الاسلام آقای کروی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی،
با توجه به اینکه مجلس شورای
اسلامی به رأی قانونی در انتخاب
حقوقدانان شورای نگهبان نرسیده
است و با عنایت به شبهه قانون
اساسی، مقتضی است مراسم تحلیف
رئیس جمهوری تا هنگام فراهم شدن
زمینه قانونی لازم به تأخیر اندازید
تا این مراسم حائز اهمیت مورد شبهه
قانونی قرار نگیرد.
سید علی خامنه‌ای
۱۳/۵/۱۳۸۰

مجلس تندروری اصلاح طلب بود. نمایندگان مجلس ششم تمایل داشتند که رئیس قوه قضائیه تندرورهایمانند خودشان را برای کسب کرسی حقوقدانان شورای نگهبان به مجلس معرفی کنند تا بتوانند در شورای نگهبان نیز خلل ایجاد کنند و این خواسته رئیس دستگاه قضا نبود.

رئیس قوه قضائیه برای اینکه بهانه را از دست بهانه جویان تندروری اصلاح طلب بگیرد، در رویه ای غیر معمول، چهار نفر دیگر را باز هم به مجلس معرفی کرد تا این بار از میان آنان دو تن باقیمانده انتخاب می شدند. اما این بار هم مجلس کوتاه نیامد و به آنان رأی نداد. در این شرایط بحرانی بود که مراسم تحلیف ریاست جمهوری دوره دوم خاتمی نیز در مجلس و با حضور اعضای شورای نگهبان باید انجام می شد؛ این شرایط باعث ایجاد شبهه خلاف قانون در تحلیف بود؛ چرا که اعضای شورای نگهبان تکمیل نبود.

در این اوضاع، این کلاف سر در گم با تدبیر رهبر انقلاب حل شد؛ ابتدا ایشان نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس ششم نوشتند و دستور تعویق مراسم تحلیف ریاست جمهوری خاتمی را دادند تا مانع از شبهه قانونی شوند. از سوی دیگر نامه‌ای خطاب به مجمع تشخیص نوشتند و دستور دادند تا راه حل این مشکل را به عنوان نظر مشورتی به رهبری ارائه کنند؛ این مجمع نیز با برگزاری جلسه فوق العاده، نظر مشورتی خود به رهبر انقلاب را اعلام کرد؛ بنا بر این نظر نیاز به رای اکثریت مطلق برای انتخاب حقوقدان نبوده و اکثریت نسبی

• دیمه ۸۰: نامه ای درباره مصونیت قضایی نمایندگان خطاب به محمدرضا خاتمی

در مجلس ششم نمایندگان تندروری اصلاحات از هر فرصتی برای ضربه زدن به رقیب و جریان راست و همچنین حاکمیت نظام بهره می‌بردند؛ راهی برای اینکه ناتوانی خود در حل مشکلات و عدم انجام وعده‌ها را توجیه کنند. تندروری‌های نمایندگان مجلس اما حد و مرزی نداشت. آنان برای خود مصونیتی تمام و کمال قائل بودند؛ به این نحو که هر چیزی هم که در مجلس بگویند به هیچ وجه نباید مورد تعقیب و بازخواست قرار بگیرند.

تلاش این نمایندگان ایجاد انحصار و استحکامی غیرقابل نفوذ اطراف خودشان بود تا هر چه می‌خواهند علیه نظام و ... سخن بگویند. در این راستا شورای نگهبان نظر تفسیری خود به مجلس را اعلام کرد که این مصونیت تنها شامل حال مباحثی می‌شود که در راستای وظایف نمایندگی نمایندگان مجلس باشد. اما مجلسیها این نظر را نیز برناتفتند و در راستای اهداف خود، به جنجال آفرینی می‌پرداختند. با این وجود در همین اوضاع و شرایط، محمد رضا خاتمی، نایب رئیس مجلس ششم، نامه‌ای به رهبر انقلاب نوشت، و در آن از ایشان درباره مصونیت کامل نمایندگان سوال کرد؛ خاتمی در این نامه نیز به گونه‌ای سخن رانده بود که این امر را حق قطعی مجلس میدانست، و به شورای نگهبان نیز حمله برد و جایگاه قانونی شورا در تفسیر

قانون اساسی را نادیده گرفت.

رهبر انقلاب به نامه نایب رئیس مجلس پاسخ دادند و مانند همیشه بر پیگیری تمام امور تنها و تنها از طریق قانون و نهادهای قانونی تاکید کردند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
جناب آقای محمد رضا خاتمی - نایب رئیس مجلس شورای اسلامی
با سلام و تحیت، نامه‌ی جناب عالی و هیئت رئیسه محترم در باره‌ی مشکل اخیر چند نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ملاحظه شد. همان‌طور که می‌دانید در مورد این پیشامد و امثال آن هیچ بن‌بست قانونی وجود ندارد و همه‌ی راه‌ها در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. این‌جانب نمایندگان محترم مجلس و نیز مسئولان محترم قوه‌ی قضائیه را به پیمودن راه‌های قانونی و تمکین در برابر قانون دعوت می‌کنم و از مجادله‌ی بیهوده در امری که مجرای قانونی آن مشخص است، برحذر می‌دارم. اختلاف و جنجال به‌ویژه در محضر افکار عمومی ملت عزیز که برای رفع مشکلات خود چشم به شماها و دیگر مسئولان قوای سه‌گانه

• اسفندماه ۸۲: تقدیر از عملکرد کروبی در مجلس ششم

مجلس ششم بی شک تندروترین مجلس در تاریخ جمهوری اسلامی تا به امروز است؛ نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم آن چنان بیپروا به همه چیز و همه کس می‌تاختند که سابقه نداشت؛ هیچ سدی در جلوی خود نمی‌دیدند؛ حتی بارها تلاش کردند که برای خود مصونیتی تمام و کمال هم ایجاد کنند ولی هر بار با سدهای قانونی برخورد کردند.

عملکرد افراطی مجلس ششم چیزی نیست که در طول چند جمله قابل بیان باشد؛ از تحسن و افسای اسرار نظام گرفته تا نامه نگاری با سنای آمریکا و استعفای دسته جمعی، تنها گوشه ای از حاکمیت چهارساله اصلاح طلبان بر مجلس شورای اسلامی بود. و کسی که ریاست او برای این مجلس اثر گذار هم بود، مهدی کروبی بود؛ کروبی توانست بارها و بارها جلوی افراط کاریهای تندروهای مجلس ششم را بگیرد و این مجلس را به سرانجام خود برساند.

کروبی برای مجلس هفتم نیز ثبت نام کرد؛ اما نتوانست در دور اول به مجلس راه یابد و به دور دوم رفت؛ کروبی اما در این شرایط استعفا داد و از ادامه رقابت برای ورود به مجلس، کنار کشید. این شرایط که کمی سرخوردگی کروبی را نیز به همراه داشت، باعث شد، رهبر انقلاب در نامه ای به مهدی کروبی، از عملکرد وی در مجلس ششم قدردانی و از انصراف وی برای انتخابات مجلس هفتم نیز ابراز تأسف کند؛ کاش

دوخته است، کاری برخلاف مصالح ملی و در نزد خدا و مردم ناپسندیده است. وظیفه‌ی همه‌ی شما این است که در هر مسئولیتی هستید به فکر رفع مشکلات مردم باشید.

نمایندگان محترم مجلس موظف به نظارت و تذکر و انتقادند و در اجرای این وظیفه کسی حق تعرض به آنان را ندارد. البته آنان حق ندارند از مرزهای قانونی تجاوز کنند. قوه‌ی قضائیه نیز موظف به تعقیب قانون‌شکنان است و باید با متخلفین قاطعانه رفتار کند. آن قوه نیز حق ندارد از حدود قانونی خود در قضاء و مقدمات آن تجاوز کند. مجلس باید حرمت قوه‌ی قضائیه را حفظ کند و قوه‌ی قضائیه نیز باید حرمت مجلس شورای اسلامی را نگاه دارد. برای همه‌ی این وظائف، قانون، موجود و گویا است و اگر ابهامی وجود داشته باشد مرجع ابهام را هم قانون معین کرده است.

توفیقات همه‌ی شما را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۸۰ / ۱۰ / ۸

• بهمن ماه ۸۳: درخواست از مجلس هفتم برای عدم استیضاح وزیر دولت خاتمی

مجلس هفتم که به عنوان یک مجلس اصولگرا شناخته میشود، بعد از مجلس تندروی ششم اصلاح طلب، بر سر کار آمد؛ نمایندگان اصولگرا که دریافته بودند مردم از سیاسی کاریها و اعمال افراطی مجلس ششم خسته شده اند، شعارهای اقتصادی و عدالت طلبانه را سرلوحه رفتار و گفتار خود قرار دادند و توانستند رای ملت را کسب کنند؛ با روی کار آمدن اصولگرایان، مجلس هفتم نشان داد که واقعا دغدغه معیشت مردم را دارد و تلاش فراوانی کرد از سیاسی کاری پرهیزد؛ از این رو رویکرد اتخاذ شده توسط مجلس هفتم مورد تقدیر رهبر انقلاب نیز قرار گرفت.

نکته دیگر روی کار آمدن مجلس هفتم، تقابل یک مجلس اصولگرا با دولت خاتمی بود؛ هر چند این مجلس تلاش داشت از اعمال جناحی پرهیز کند، اما نتوانست رفتار وزیر راه خاتمی - احمد خرم - را تحمل کند؛ رفتار و گفتار بد او - مخصوصا در حادثه انفجار قطار در نیشابور و ماجرای افتتاح فرودگاه امام - سبب شد که این نمایندگان، این وزیر را استیضاح و از دولت حذف کنند.

در این اوضاع رفتار مرتضی حاجی، وزیر آموزش و پرورش نیز محل مناقشه فراوان بود و مجلس تصمیم به استیضاح وی گرفت؛ در همین شرایط بود که رهبر انقلاب خطاب به رئیس مجلس هفتم نامه‌ای نوشتند و

کروبی قدر قدر شناسی رهبر را میدانست و سالها بعد اینگونه در برابر نظام نمایستاد. متن نامه رهبر انقلاب به کروبی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی دام اجلاله
باسلام و تحیت و ابراز تأسف از انصراف جناب عالی از نامزدی دور دوم انتخابات مجلس هفتم، لازم می‌دانم اولاً از تلاش جان‌گناه جناب عالی برای حفظ اعتدال مجلس شورای اسلامی در سال‌های مدیریت مجلس ششم و ثانیاً از همراهی و همکاری مجاهدت‌آمیزی که برای برگزاری بهنگام و قانونی انتخابات مجلس هفتم نشان دادید، تشکر نمایم.

امید است این خدمت‌بازرش که در جهت استحکام نظام اسلامی و نوید کردن پیگانگان مداخله‌جو انجام گرفت، مورد قبول حضرت احدیت جل و علا و موجب پاداش دنیوی و اخروی برای آن جناب باشد.

توفیقات روزافزون شما را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

و السّلام علیکم ورحمة الله و برکاته
سید علی خامنه‌ای

۸۲/۱۲/۷

عرض کنم که در شرایط کنونی که ماه‌های آخر مأموریت خطیر دولت در حال سپری شدن است استیضاح وزیران هیچ سودی برای کشور و دستگاه‌های مسئول ندارد و متقابلاً زیان‌های محتمل آن بسیار و خطرات آن هشداردهنده است. البته مجلس موظف است که از همه‌ی ابزارهای نظارتی قانونی خود استفاده کند.

و السَّلَام عَلَیْکُمْ جَمِیعاً وَ رَحْمَةُ اللَّهِ

سید علی خامنه‌ای

۱۳۸۳/۱۱/۵

• مردادماه ۸۶: مؤاخذة شدید

چند سالی بود که برخی افراد و یا نهادها تصمیم به برگزاری جشن به مناسبت تولد رهبر انقلاب می‌گرفتند؛ هر چند که این مراسمات به هیچ وجه گسترده‌گی چندانی نداشت، اما از همان ابتدا مشخص بود که رهبر انقلاب از این گونه رفتارهای جاهلانه به هیچ وجه دل خوشی ندارند. این رسم و رسوم غلط که چندباری نزدیک بود در کشور باب شود با مواخذه‌ها شدید رهبر انقلاب مواجه شده بود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در سال ۸۶ وقتی که سیدهای گلی از سوی افرادی برای ایشان ارسال و بدست معظم له میرسید، به یکی از نزدیکان خود نوشته بودند «اولاً، مولود این حقیر در تیرماه نیست و ثانیاً؛ من و روز تولدم

تاکید کردند که در ماه‌های پایانی عمر دولت، استیضاح وزرا، دیگر سودی ندارد و نیازی به استیضاح وزیر آموزش و پرورش نیست؛ مجلس هفتم نیز درخواست رهبر انقلاب، را اجابت کرد و از استیضاح وزیر منصرف شد و تا پایان عمر دولت خاتمی اقدامی در این جهت نکرد؛ رهبر انقلاب در مکتوب خود به حداد عادل، رویکرد اتخاذ شده توسط مجلس هفتم درباره نیازهای اصلی کشور را نیز ستودند:

باسمه تعالی

جناب آقای دکتر حداد عادل ریاست

محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و تحیت

مجلس شورای اسلامی در دوره‌ی

هفتم بحمد الله موفق شده است

جهت‌گیری درست فعالیت خود را با

ملاحظه‌ی نیازهای کشور انتخاب کند.

ترجیح مطالبات عمومی و اساسی

مردم بر انگیزه‌ها و گرایش‌های دیگر،

شاخصه‌ی مهمی در این جهت‌گیری

است که به توفیق الهی، مجلس

تاکنون به آن دست یافته و همچنان

باید بر آن پای بفشارد. لازم می‌دانم

به مناسبت مطرح شدن استیضاح

وزیر محترم آموزش و پرورش به

جناب‌عالی و همه نمایندگان عزیز

من از کسی که برای تولد من جشن می گیرد به هیچ وجه متشکر نمی شوم و او را مسئول زیان های این کار هم می شناسم...

و این تنها نمونه ای کوچک است از برخورد شدید رهبر انقلاب با کسانی که با رفتار جاهلانه خود، متملقانه رفتار میکنند و نمیتوانند وظیفه خود را درست تشخیص دهند. ایشان به شدت با مواردی که باعث ترویج این گونه رفتارها شود، برخورد میکنند.

مکتوبات فوق، تنها گوشه ای از ابعاد وجودی رهبر انقلاب بود که تلاش شده بود، از میان موارد متعدد، برگزیده و برای خوانندگان، در تبیین شخصیت آیت الله خامنه ای استفاده شود.

ارزش این محبت ها را نداریم و اینها موجب شرمندگی من است، در عین حال لازم است از همه آنها تشکر شود.»

اما شرایط سالهای بعد تغییر کرد؛ برخی نهادها تصمیم به برگزاری خودسرانه جشن برای تولد رهبر انقلاب گرفته بودند؛ آیت الله خامنه ای همچنان که انتظار میرفت پس از دریافت خبر این مطلب که در یکی از استانها، جشنی به مناسبت تولد ایشان برپا و از برخی مسئولان هم برای حضور در این مراسم دعوت شده بود، در حاشیه برگه حاوی این خبر نوشتند:

این کار غلط است، این تولد و امثال آن هیچ جشنی ندارد، برگزارکنندگان مسئول وقت و عمر و اموالی هستند که در این کار صرف و ضایع می شود.

www.Didban.ir

www.didban.ir

| www.didban.ir